

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسیح پیامبر و بنده خدا

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۳

نام جزوه: مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ۵.....مریم، مادر عیسی علیه السلام
- ۸.....زکریا و یحیی علیهما السلام
- ۱۷.....نگرشی به وضع مردم، پیش از رسالت
- ۱۹.....رسالت حضرت مسیح علیه السلام
- ۲۱.....پایان کار حضرت مسیح علیه السلام
- ۲۴.....عیسای مسیح یا بنده‌ی خدا
- ۳۰.....سخنان دل‌نشین حضرت مسیح علیه السلام

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۵

مریم، مادر عیسی علیها السلام

زن عمران عقیم و نازا بود، اما از شوهرش شنیده بود که خداوند به او وعده‌ی پسری داده است که به قدرت و فرمان خدا می‌تواند مردگان را زنده کند و بیماران را نیز شفا بخشد.^۱

و چون ایمان داشت که خداوند بزرگ می‌تواند وسیله‌ی آن را فراهم آورد؛ از خدا خواست که به او فرزندی ببخشد.

خداوند دعای او را مستجاب کرد و او باردار شد و به شکرانه‌ی این موهبت و نعمت بزرگ نذر

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳۵.

۶ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

کرد که فرزند خود را به خدمت خانه‌ی خدا
(بیت‌المقدس) بگمارد.^۱

فرزندی که به دنیا آمد دختر بود و چون مادرش
او را دید گفت: بار الها! این دختر است اما در عین
حال به نذر خود وفا کرده او را مریم نامیدم^۲ و او و
فرزندانش را از شرّ شیطان در پناه تو قرار می‌دهم.^۳
زن عمران، مریم را به خانه‌ی خدا برد و به متولیان
آنجا سپرد و چون این نوزاد، دختر پیشوای ایشان
(عمران) بود هرکسی میل داشت که به تربیت و

۱. سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۳۴ و مقتنیات الدرر، ج ۲،

ص ۱۸۸.

۲. مریم به معنای زن عبادت کار است.

۳. مستفاد از سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۳۵ - ۳۴.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۷

کفالت او بپردازد تا افتخار کفالت دختر عمران نصیب او گردد. سرانجام بین آنان نزاع درگرفت و برای حل اختلاف قرعه کشیدند؛ در میان متولیان بیت المقدس قرعه بنام حضرت زکریا علیه السلام درآمد. مریم، تحت کفالت و تربیت حضرت زکریا قرار گرفت^۱ و رفته رفته بزرگ شد و کاری جز عبادت و خدمت خانه‌ی خدا نداشت.

اخلاص و بندگی او به آنجا رسید که هر وقت حضرت زکریا علیه السلام به محراب عبادت مریم وارد می شد نزد او غذایی - آسمانی - می یافت و با تعجب می پرسید: این غذا از کجا برای تو رسیده

۱. مجمع البیان^۱ ج ۲ ص ۴۳۶.

۸ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

است؟ مریم می‌گفت: از نزد خدا، همانا خدا به هرکسی که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد^۱.

زکریا و یحیی علیهما السلام

همسر زکریا علیه السلام نیز همچون مادر مریم نازا بود و به همین علت زکریا علیه السلام تا سال‌های پیری بی‌فرزند ماند. در این هنگام که زکریا علیه السلام در محراب مریم، ناظر مقام معنوی مریم بود و رحمت بیکران خداوند را بر او می‌دید، آرزوی داشتن فرزند صالحی چون مریم او را بر آن داشت که دست نیاز به درگاه خدا بردارد و بگوید:

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۳۷.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۹

خدایا! از تو می‌خواهم که فرزندی صالح و پاک
به من عطا فرمایی فرزندی که مورد رضایت تو و
وارث من و آل یعقوب باشد.^۱

حضرت زکریا علیه السلام در محراب مشغول نماز بود
که فرشتگان به او گفتند خدا تو را به فرزندی به نام
یحیی که از پیامبران صالح و پارسا است بشارت
می‌دهد.

حضرت زکریا علیه السلام که پیری و فرسودگی خود
و عقیم و نازا بودن همسرش را می‌دید (و در چنین
شرایطی بچه‌دار شدن نعمتی بود که انتظار آن
نمی‌رفت) با شوق و تعجب گفت:

۱. مستفاد از سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۳۹ و تفسیر المیزان،

ج ۳، ص ۱۹۰ و سوره‌ی مریم آیه ۶ - ۱.

۱۰ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

خدایا! با این شرایط که من و همسرم داریم چگونه به من فرزند عنایت می‌فرمایی؟ در پاسخش گفته شد:

این کار برای خدا آسان است مگر نه این است که خداوند بزرگ تو را از نیستی به هستی آورده است؟^۱ بدین ترتیب حضرت زکریا علیه السلام صاحب فرزندی شد که خداوند او را از پیش یحیی نامیده بود.

حضرت یحیی علیه السلام یکی از پیامبران الهی شد و در تمام عمر مردم را به ایمان و سعادت دعوت کرد. و سرانجام به دست یکی از پادشاهان بنی اسرائیل که

۱ . مستفاد از سوره‌ی آل عمران^۱ آیه ی ۴۰ - ۳۹ و سوره ی

مریم، آیه‌ی ۹ - ۷.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۱۱

می‌خواست برخلاف حکم خدا با دختر برادر خود ازدواج کند و حضرت یحیی علیه السلام او را از این کار منع می‌کرد، به شهادت رسید^۱.

عیسای مسیح علیه السلام

مریم - همان دختری که از آغاز کودکی در خانه‌ی خدا بزرگ شده بود و پیامبری بزرگ چون حضرت زکریا تربیت او را به عهده داشت - روزی مشغول عبادت بود که فرشته‌ای به صورت انسان بر او ظاهر شد.

مریم که او را انسانی می‌پنداشت با ترس به خدا پناه برد، ولی فرشته به او بشارت داد: من از طرف

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷ - ۲۶.

۱۲ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

پروردگار تو آمده‌ام که پسری پاک و پاکیزه به تو
بیخشم.

مریم گفت:

چگونه؟ با آنکه بشری با من تماس نگرفته و
زناکار نبوده‌ام.

فرشته گفت: پروردگارت چنین فرموده است که
این کار بر من آسان است، تا او را برای مردم آیت و
نشانه‌ی رحمت‌مان قرار دهیم.

مریم باردار شد، و چون شوهری نداشت برخی
از یاهو‌گویان درباره‌ی او سخن‌های زننده‌ای می‌گفتند
که او را آزرده می‌ساخت.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۱۳

مریم برای رهایی از این رنج‌ها از اجتماع فاصله گرفت و ناچار به محلی دوردست رفت و در آنجا در انتظار تولد فرزند روزشماری می‌کرد.

سرانجام هنگام زایمان فرا رسید و مریم از درد به درخت خرمای خشکی در بیابان پناه آورد و در همان‌جا بدون همدم و پرستاری نوزادش به دنیا آمد. تنهایی و درد و بیم آبرو و اندیشه‌ی آن‌که چگونه پاکدامنی خود را به مردم ثابت کند چنان مریم را اندوهگین ساخته بود که با خود می‌گفت:

«ای‌کاش پیش از این مرده و از یادها رفته بودم».

در این هنگام صدایی شنید که او را دلداری می‌داد:

«غمگین مباش، پروردگارت پایین پای تو جوی
آبی گوارا روان ساخته است، و ساقه‌ی درخت
خشکیده را تکان بده تا خرما‌ی تازه بر تو فروریزد.
بخور و بیاشام و آسوده‌خاطر باش و اگر کسی از
مردمان را دیدی به اشارت به او بفهمان که من نذر
کرده‌ام روزه‌ی سکوت^۱ بدارم و امروز با هیچ بشری
سخن نخواهم گفت...»

معجزه‌ها و امدادهای غیبی یکی پس از دیگری
مریم را قوی‌دل می‌ساخت پس با خاطری آسوده
همراه کودک خود به محل زندگی خویش بازگشت،

۱. در آن زمان رسم بود که نذر می‌کردند تا مدت معینی با
هیچ کس سخن نگویند این کار را روزه‌ی سکوت می‌گفتند.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۱۵

مردم چون مریم را با کودکی که در آغوشش بود دیدند زبان به اعتراض گشودند و گفتند: «پدرت مرد بدی نبود و مادرت هم بی عفت نبود».

مریم بی آنکه سخنی بگوید به نوزادش اشاره کرد یعنی ماجرا را از او پرسید و پاسخ بگیرید.
آنان با تمسخر گفتند: چگونه با کودکی به این خردسالی سخن بگوییم؟

نوزاد مریم به قدرت خدا به سخن آمد و با بیانی روشن و صریح به آنان گفت:

«من بندهی خدایم او به من کتاب داده و مرا به پیامبری برگزیده است و هر جا که باشم مرا خیر رسان و با برکت قرار داده است و به من سفارش

کرده است که تا زنده‌ام نماز بخوانم و زکات پردازم و مرا نسبت به مادرم مهربان قرار داده است...»^۱.

منطق این کودک آن‌ها را مبهوت کرد و این آیت بزرگ، تهمت و بدگمانی آنان را نسبت به حضرت مریم (علیهاالسلام) برطرف ساخت و دانستند که این نوزاد به خواست خدا بدون پدر به وجود آمده است و در آینده مقامی بلند و وظیفه‌ای بزرگ خواهد داشت.

۱. سوره‌ی مریم، آیه ۳۲ - ۱۶ و تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۸

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۱۷

نگرشی به وضع مردم، پیش از رسالت حضرت
مسیح علیه السلام

پیش از ولادت حضرت مسیح، فلسطین در دست
رومیان بود، اما مردم فلسطین با آنکه پشتیبانی
نداشتند تا به «رهایی» نهایی دست یابند همواره با
بیگانگان رومی در ستیز می‌بودند. این ستیزه‌ی مداوم،
اوضاع مردم فلسطین را برآشفته بود.

وضع اقتصادی خراب بود و مالیات‌های سنگین
و ظالمانه بر این خرابی می‌افزود. مردم آزاده یا نگران
و دربند بودند و یا در پیکار عمر می‌گذراندند.
آبدانی‌ها متوقف مانده و همه‌چیز بی‌پایه و سست
شده بود حتی ایمان خود یهودیان؛ به طوری که دیگر
پایبند به دستورهای مذهبی نبودند.

شاید هم این سستی ایمان ارمغان استعمار روم برای مردم فلسطین بود.

همیشه استعمار، از همین ارمغان استفاده کرده و می‌کند زیرا در این نوع مبارزه، دشمن نیازی به سلاح ندارد، مردمی که ایمان خود را از دست بنهند و بدهند بی‌آنکه خود بدانند به تدریج نابود خواهند شد. باری، در چنان شرایط و در آن عصر پر آشوب و آشفته، نیاز به یک رهبر آسمانی که مردم منحرف را اصلاح و از بدبختی‌ها و گمراهی‌ها نجات بخشد، کاملاً احساس می‌شد.

و چنین بود که به مقتضای مهر و رحمت خدای مهربان، حضرت عیسی علیه السلام به دنیا آمد. ولادت آن گرامی همراه با شگفتی‌هایی بود که همه به والایی و

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۱۹

شکوه مقام او گواهی می‌داد. و این‌ها اشاره‌هایی
آسمانی بود بر این‌که او رهبری خدایی است و دست
توانای خدا او را برای اصلاح جامعه و تربیت افراد و
حمایت از مردم بی‌پناه به وجود آورده است.

رسالت حضرت مسیح علیه السلام

انجیل بر شخص حضرت عیسی علیه السلام فرود آمد تا
برنامه‌ی رهایی گمراهان باشد^۱.

حضرت عیسی علیه السلام رسالت خویش را اعلام
داشت و در سطح گسترده‌ای به فعالیت پرداخت. و

۱. انجیل آسمانی از بین رفته و انجیل‌هایی که اکنون در
دست مسیحیان است کتاب آسمانی نمی‌باشد.

۲۰ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

در نجات بخشیدن یهود و نابود کردن ریشه‌های
انحراف آنان، رنج‌ها برد و فداکاری‌ها کرد.

اما پیشوایان یهود که مقام و رتبه‌ی خود را
دوست می‌داشتند و آن را با آمدن حضرت عیسی علیه السلام
از دست رفته می‌پنداشتند و از رسالت او بیمناک بودند
با مشورت همدیگر بر آن شدند که به پا خیزند و فتنه
برانگیزند و از پیشرفت او جلو گیرند.

حضرت عیسی علیه السلام از نقشه‌ی آنان آگاه بود اما
چون کوه، استوار ماند و همچنان به ارشاد و
راهنمایی پرداخت و مردم را از خرافه‌ها و
تحریف‌هایی که در دین حضرت موسی علیه السلام به
وجود آمده بود، آگاه گردانید.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۲۱

در این راه، گاه یک انسان مریض را به اذن خدا شفا می‌داد، یا مرده‌ای را هم به اذن او زنده می‌کرد تا همگان دریابند که او از سوی خدا آمده و فرستاده‌ی خدای یکتای بی‌همتا است.

پایان کار حضرت مسیح علیه السلام

روزاروز، بر یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام افزوده می‌شد، اما هر چه اینان فزونی می‌یافتند، پیشوایان یهود نیز به مخالفت خود می‌افزودند تا آنجا که مصمم شدند حضرت عیسی علیه السلام را به قتل برسانند.

اما خداوند او را از نظر آنان پنهان نگاه داشت و آنان دیگری را که با حضرت عیسی علیه السلام شباهت

۲۲ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

یافته بود، به اشتباه، بدار آویختند و همچنان در اشتباه ماندند و گمان بردند که حضرت عیسی علیه السلام را به دار آویخته‌اند.

این واقعیت در قرآن کریم صریحاً بیان شده است.

«وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ لَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا».

نه او را کشتند و نه دار زدند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد و آنها که درباره‌ی وی اختلاف کرده‌اند در این باره علم نداشته (از روی گمان چیزی می‌گویند) و از گمان پیروی می‌کنند یقیناً عیسی را

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۲۳

نکشته‌اند بلکه خدای متعال او را به سوی خویش بالا
برده است و خدا با عزّت و حکیم است.

پس مسأله‌ی صلیب و پیرایه‌های غیرمنطقی که
بر آن افزودند - ازاین‌گونه که امروز مسیحیان
می‌گویند: مثلاً: همه‌ی مردم ذاتاً گناهکارند گرچه در
همه‌ی عمر گناهی نکرده باشند! و حضرت عیسی علیه‌السلام
به‌عوض همین مردم مصلوب شده است تا بدین
وسیله آنان را از عذاب جهنم و بازخواست برهاند؛
بی‌اساس است.

۲۴ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

عیسای مسیح یا بنده‌ی خدا

آنچه از قرآن کریم و حتی از برخی اناجیل که فعلاً در دست مسیحیان است^۱، استفاده می‌گردد این است که مسیح همیشه خود را بنده‌ی خدا معرفی و خدا را عبادت و مردم را به یکتاپرستی دعوت می‌کرده است. حضرت عیسی علیه السلام می‌فرمود: پروردگار من و شما خدای یکتاست. او را پرستید؛ راه راست همین است.^۲

حضرت عیسی علیه السلام هیچ‌گاه ادعای خدایی نکرده است و این که مسیحیان او را خدا می‌دانند و می‌خوانند، از پیش خود ساخته‌اند.

۱. انجیل مرقس، باب ۱۲، بند ۲۹.

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۵۱.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۲۵

نهر و در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان»
می‌نویسد: مسیح مدعی الوهیت و خدایی نبود اما
مردم دوست دارند که مردان بزرگ خود را به گونه‌ی
خدا درآورند.^۱

حضرت عیسی علیه السلام چون دیگر پیامبران، انسانی
بود که از سوی خدا به او وحی می‌شد و برای
هدایت و راهنمایی جامعه برانگیخته شده بود. اگر او
معجزه داشت، پیامبران دیگر خدا نیز داشتند؛ و اگر
بدون پدر زاده شد، حضرت آدم علیه السلام نیز، بدون پدر
و هم بدون مادر، خلق شد اما چرا هیچ‌کس از
مسیحیان او را پسر خدا ندانستند؟

قرآن کریم می‌فرماید: «مسیح پسر مریم فقط پیامبر خدا بود، پیش از او پیامبرانی مانند او آمده و رفته بودند و مادر او زنی بسیار راست‌گو بود، او و مادرش هر دو غذا خوردند»^۱؛ یعنی به لوازم حیات بشری، چون همه‌ی انسان‌های دیگر نیازمند بودند.

این حقیقت که در کلام روشن خدا - قرآن - آمده است، با خرد و عقل هم، موافق است زیرا بشری که چون دیگر افراد و مثل همه، از خود هیچ توانایی ندارد و همانند مردم و پیامبران دیگر، به لوازم زندگی بشری مثل غذا و خواب نیازمند است؛ به حکم خرد، سزاوار پرستش و عبادت نیست.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۲۷

پس:

به حکم عقل و به تصدیق قرآن مجید، و بنا بر انجیل فعلی مسیحیان - انجیل مرقس - و به گفته‌ی مورخین بزرگ:

حضرت عیسی علیه السلام بنده و پیامبر خدا بود و هیچ‌گاه داعیه‌ی خدایی نداشت.

اما پس از حضرت عیسی علیه السلام آیین پاک او اصالت خود را از دست داد و شرک و بت‌پرستی در آن راه یافت تا آنجا که ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد:

«مسیحیت شرک را از میان نبرده بلکه آن را پذیرفته است»^۱.

هر کس در عقاید مسیحیان مطالعه کرده باشد تصدیق خواهد کرد که این مورّخ، یک واقعیت تاریخی را بیان کرده است؛ چرا که هم‌اکنون چنین عقایدی بین طرفداران حضرت مسیح علیه السلام رواج دارد:

۱ - عیسی از ذات خدا جدا شده است و مخلوق نیست و پسر خدا نامیده می‌شود.^۱

۲ - مسیح بشر بود اما بشری که خدا در او حلول کرد و جا گرفت!^۲

۳ - مسیح خود خداست که به صورت بشر درآمده است.^۳

۱ . تاریخ کلیسای قدیم، ص ۲۴۴.

۲ . نظام التعليم، چاپ بیروت ۱۸۸۸، ج ۲، ص ۲۰۴.

۳ . همان مدرک، ص ۲۰۱ - ۱۸۹.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۲۹

اما همه می دانیم خدا جسم نیست تا مکان داشته باشد و یا جزئی از او جدا گردد و پسر خدا نامیده شود. و نیز با خرد دریافته ایم خدا مکان ندارد تا در چیزی بگنجد و حلول کند یا به صورت بشری درآید.

علاوه، چگونه ممکن است خدای بی نیاز، به خوراک و پوشاک نیازمند باشد؟!

پس اگر مسیحیان درست بیانایشند، تصدیق خواهند کرد که حضرت مسیح علیه السلام - چون همه ی پیامبران دیگر - بنده ی خدا است و مسأله ی الوهیت (خدایی) او اساسی ندارد.

در قرآن کریم آمده است: «آنان که گفتند عیسی پسر مریم، خداست، کافر شدند. بگو چه کسی در

۳۰ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

برابر خدا مالک چیزی است؛ اگر خدا بخواهد مسیح فرزند مریم و مادرش و همه کسانی را که در زمین می‌باشند نابود سازد؟ و پادشاهی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است خاص خداست آنچه بخواهد می‌آفریند و خدا بر همه چیز تواناست^۱.

سخنان دل‌نشین حضرت مسیح علیه السلام

پیامبر اسلام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: که حواریون از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند: با چه کسی معاشرت کنیم؟ فرمود: با آن کس که دیدارش شما را

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۳۱

به یاد خدا بیفکند و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و کردارش شوق شما را به امر آخرت زیاد گرداند^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود:

حواریون از حضرت عیسی علیه السلام خواستند که آنان را راهنمایی کند، آن گرامی فرمود:

موسی کلیم علیه السلام به شما گفت: به نام خدا سوگند دروغ نخورید و من می گویم به نام خدا حتی به راست هم سوگند نخورید.

حواریون راهنمایی بیشتری خواستند، فرمود:

پیامبر خدا موسی به شما گفت: زنا مکنید و من دستور می دهم: حتی به آنان نیندیشید چرا که هر کس فکر «زنا» در سر پرورد، چونان کسی است که در

۳۲ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

سرای نقاشی شده‌ای آتش برافروزد که دود؛ آن
نقش‌ها را تیره می‌سازد اگرچه اتاق نسوزد^۱.

حضرت امیرمؤمنان، علی علیه السلام فرمود:

مسیح پسر مریم می‌گفت: خوشا آن‌که سکوت
او، اندیشمندی و نگاهش پندیابی است... و بر
کردارهای ناشایسته‌ی خویش بگریید و آدمیان از
دست و زبانش آسوده باشند^۲.

راهبر گرامی امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت عیسی به یاران خویش می‌فرمود: ای
فرزندان آدم! از دنیا به سوی خدا بگریزید و دل بر آن
نبندید که تنها برای دنیا ساخته نشده‌اید چونان که آن

۱. بحار، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۲. بحار، ج ۱۴، ص ۳۲۰.

درسهایی از اصول دین، شماره دوازدهم / ۳۳

نیز برای شما شایستگی ندارد؛ و در آن نمی مانید و آن نیز برای شما باقی نمی ماند. چه بسیار کسان را که غافل ساخته و از پا درآورده است هر که بدان خوش بین باشد و اطمینان ورزد زیان خواهد دید. هر که آن را دوست بدارد و در پی آن باشد، هلاک خواهد شد^۱.

از همان گرامی نیز رسیده است که: مسیح علیه السلام به پیروان خویش می فرمود: از نگاه کردن به زن دیگران بپرهیزید که بذر تلخ شهوت را در دل انسان می پاشد و همین برای هلاکت کافی است. دریغا بر آن که عیش دنیا هدف او، و گناهان کردار او باشد.

۳۴ / مسیح پیامبر و بنده‌ی خدا

هیچ می‌دانید چگونه فردا و به هنگام رستاخیز،
در پیشگاه خدا رسوا خواهد شد^۱؟!

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۴.